



تیترو روز

وزیر صمت: هر گونه افزایش قیمت کالا به بهانه افزایش نرخ بنزین تخلف است

گران فروشان: خیال تون راحت، بهانه های بهتر دیگه ای داریم!

محسن هاشمی: می توانیم مثل سال ۹۲ در این دوره از انتخابات هم نتیجه را به نفع اصلاح طلبان رقم بزنیم

اصلاح طلبان: جدی؟ می شه به ما هم بگین چه جور ی؟!

مزاحم تلفنی اورژانس: از خانمی که تلفن رو جواب داده خوشم اومده!

به این میگن عشق اورژانسی که فوری باید بستری بشه!

نرخ سوخت تأثیری بر قیمت مسکن ندارد / ایسنا

د لالان مسکن: نکنه ماشین های ما با باد هوا مشتری ها رو می برن سر ساختمون ها؟!

هزینه معافیت پزشکی مشمولان به عهده کیست؟ / خبر آنلاین

مادر سر باز: خانواده عروس!

باخانمان

معضل عمومی دوست خیالی

مهدیسا صفری خواه طنزپرداز

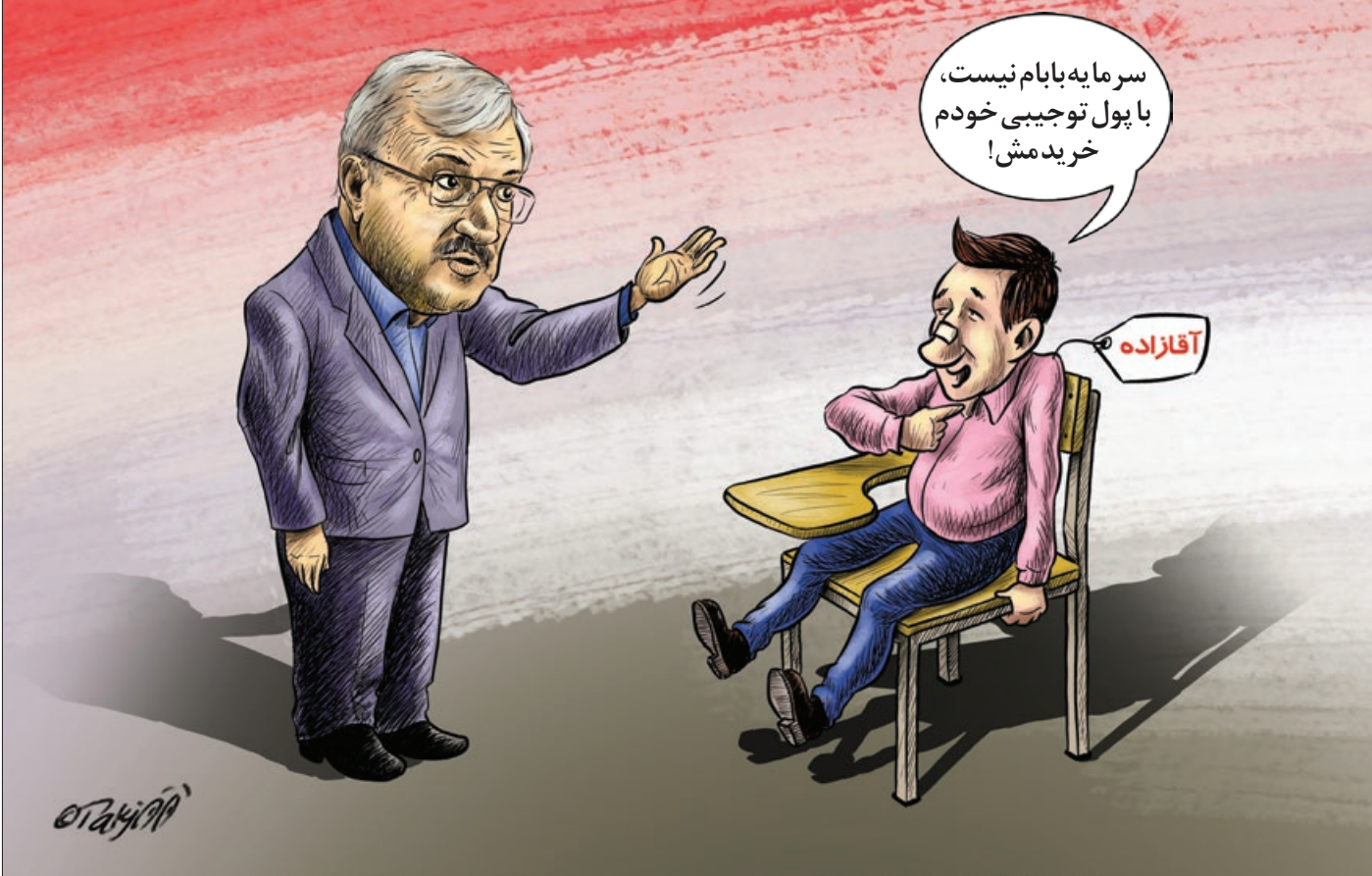


ترسناک ترین قسمت بزرگ کردن بچه مواجهه با دوست خیالی اش است. بچه ها از حدود سه تا شش سالگی با دوست خیالی شان سر سفره می نشینند و حتی در پیاده کردن نقشه های بزرگ از آن ها مشاوره می گیرند. برای من که چهار دهه جرئت نکردم یک سکانس فیلم ترسناک ببینم این که بچه وسط اتاق نشست و به سبک فیلم «دیگران» با ارواح حرف می زند پایان دنیاست! تازه بعد از ارتباط گرفتن با دوست خیالی شمارا هم وارد این بازی می کند: «مامان شنیدی عمو باتون چی گفت؟! گفت باید برای تولد آریین یه ماشین کنترلی بخریم.» هیچ موجودی در این شرایط جرئت نمی کند با عمو باتون مخالفت کند، واقعا عمو باتون آخه؟! چی فکر کردی بچه جان؟! شرط می بندم اگر اسم دوست خیالی اش فرزین یا پریمیا یا پارمیدا بود این قدر قضیه ترسناک نمی شد، اما این عمو باتون انگار همان جو کر است که اگر با او مخالفت کنی ممکن است وسط شوی زنده تلویزیونی به مغزت شلیک کند.

بنابر این در خانه ما همیشه حرف عمو باتون بود، تا این که یک روز بی سرو صدا جمع کرد و رفت. وقتی از دخترم پرسیدم: عمو باتون کجاست؟ گفت: رفت استرالی لا. ظاهرا او هم شرکت در «بفرمایید شام» را به ماندن در این جاتر جیب داد و من هم از این که دوست خیالی اش با آن اسم ضایع و مخوف گم و گور شده خوشحال بودم. سه ماه بدون این که فکر کنم باز یگر نقش مکمل زن فیلم جن گیر هستم، زندگی کردم که یک شب دخترم یک دفعه پرید و در خانه را باز کرد. وقتی پرسیدم: کسی زنگ زد؟! گفت: «عمو باتون بود، دیپورتش کردند، اون هم از کمپش تو جزیره پایوانو گینه فرار کرده بر گشته، این روسری رو هم برای تو سوغاتی آورده» بعد لبخندی زد و یک شیء نامرئی را در هوا تکان داد، بادی در خانه وزید و قاب عکس یادگاری مان کج شد و برق رفت و صدای دخترم را می شنیدم که می گفت «تا کی می مونی؟! وزیر لب دعا می کردم عمو باتون بگوید امشب با خاوری بر می گردم کانادا».



وزیر بهداشت: اجازه نمی دهم آقازاده ای با سرمایه باد آورده پدرش بر صندلی دانشگاه بنشیند



کار نویس: خواد نگهبان

سوژه روز

نقش شناسنامه در بانکداری!

بانکی صفر بشه؟! رمزهای یک بار مصرف بدون هزینه برای همه فعال بشه؟! پیامک های واریز و برداشت برای مشتری ها رایگان فرستاده بشه...

سومی: نمی دونم واقعا این قدر خوش خیال و ساده ای یا داری مسخره بازی در میاری؟ ستون تموم شد، بگو دیگه!

اولی: بانک مرکزی بخشنامه زده بانک ها تصویر شناسنامه و کارت ملی از مشتریان نگیرن.

دومی و سومی همزمان مثل گروه سرود: خوش خبر باشی، واقعا این روزها نیاز داشتیم به هم چنین خبرهایی که خوشحال مون کنه.

اولی: یه خبر خوب دارم امروز براتون!

دومی: همه چیز از رزون شده؟

اولی: مسخره بازی در نیار دیگه، اگه قول بدین بین خودمون نمونه میگم...

دومی: خیالت از بابت من راحت باشه، تو که می دونی من چقدر راز دارم...

سومی: واقعا همین طوره! فقط بگو چرا گوشت رو در آوردی و داری چی تایپ می کنی؟ خبر نداده رو می خوام مخابره کنی؟! **اولی در حالی که مودبانه می خندد:** بانک مرکزی بخشنامه زده...

دومی: سود سپرده ها بیشتر بشه؟ جریمه دیر کردوام ها بخشیده بشه؟ کارمزدها عملیات

توثیت روز

لحظه زیبای سفره انداختن!

❖ قشنگ ترین لحظه پاییز اون موقعیه که تو خونه نشستی یهو مامانت سفره میندازه میگه غذا آماده است. البته این صحنه تو زمستون و بهار و تابستون هم قشنگه. در کل ربطی به فصل هانداره. من هر وقت سفره ببینم خوشحال می شم! ❖ من از معدود بچه هایی بودم که وقتی از من پرسیدن می خوامی در آینده چی بشی، آروم لبخند می زدم و می گفتم: «هیچی، نمی دونم». و از معدود افرادی هستم که به اون حرف کودکیم رسیدم!

❖ من اگه کوبیده می شدم، اون سیخ آخری می شدم که همه سیر شدن و کسی نمی خوره. آخر هم اون قدر توی یخچال می موند تا سفت می شد و مینداختنش دور! ❖ خونه ما هر وقت اینترنت قطع می شه مودم رو ریست نمی کنیم، گوشی مامانم رو خاموش می کنیم اینترنت مون دوباره وصل می شه!

❖ مامان و بابام یه جوری قریون صدقه خرگوش مون می رن، ما که بچه ها شو نیم تازه فهمیدیم با کمبود محبت بزرگ شدیم!

❖ شما خیلی لاکچری هستین که جن زیر تخت دارین، ما معمولی ها اصلا تخت نداریم که بخواد زیرش جن باشه! مادر نهایت بتونیم جن کانال کولر داشته باشیم!

❖ ۲۶ خیلی سن عجیبیه، نصف دوستان در انتظار بچه سوم شون هستن، نصف دیگه دارن ریاضی ۱ رو واسه بار چهارم برمی دارن که بالاخره پاس بشه!

کارتون روز

تا ۲۰ سال آینده ایران سالمندترین کشور منطقه می شود



کار نویس: هادی لکویان

فال روز

ای صاحب فال، امروز دیگر به خانه و خانواده و دید و باز دید با فامیل و دوست و آشنا بگذران. فکر کن مانند دیروز اینترنت قطع است و با خیال راحت گوشی را بگذار کنار!

شعر روز

راندمان کاری یک کارمند نانمونه!

صبح با چشمان پر خواب و سراب
با لباسی ساده و عطر و گلاب
با همان سرویس ایاب و ذهاب
می رود سمت اداره چون شهاب!
شرح خواب دیشب دیوار چین
راندمان کار امروزش همین
اول ساعت تلگرام است و پس
ساعت ۹ هم هلو کرده هوس
بعد آن هم یک نخ سیگار گس
تا به این ساعت مزاحم هیچ کس!
بسرو سیگار و هلو و انگبین
راندمان کار امروزش همین

تایم کاری از حدود ۱۰ شروع
ساعت کار است و ارباب رجوع
اولی مغرور و بعدی با خشوع
می کنند مانند خورشیدی طلوع
صورتی پر چین و خمشی بر جبین
راندمان کار امروزش همین

هشت ساعت پشت هم با نام کار
کل وقت قبل و هم بعد از ناهار
جملگی را در هم و از یک کنار
کار یک ساعت نمی آرد به بار
کارها این گونه باشد بر زمین
راندمان کار امروزش همین!

ارسالی مخاطب: ناصر خان آقایی



پیامک روز

پیامک ۲۰۰۰۹۹۹
تلگرام ۰۹۳۵۳۹۴۵۷۶

هر چه می خواهد دل تنگت بگو! فقط...

نوشتن «دارکوب» ابتدای پیامک فراموش نشود!

❖ کاش این فوتبال رو جمع کنن تا بیشتر از این پیش بقیه کشورها سرافکنده نشدیم. **دارکوب:** چرا ما سرافکنده بشیم؟ دوستان قدر اسبون باید خجالت بکشن از این نتیجه ها که خب اون ها هم نمی کشن و سرافکنده نمی شن!

❖ با این قیمت نان باید منتظر پیدایش سلطان نان هم باشیم.

دارکوب: شاید سلطان نان چند تا از همین نمکی ها و ضایعاتی ها باشن که تو کارتون خشک هستن!

❖ با مدرک کارشناسی و حقوق یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومانی استخدام شده ام. نمی دونم دقیقا با این حقوق کدوم یکی از خرج های زندگی رو پرداخت کنم. لطفا راهنمایی ام کن دارکوب.

دارکوب: شما اول تشریف ببرین دوسه تا جعبه شیرینی بخیرین و بیارین برای ما، بعد هر چی موند براش یه فکری می کنیم!



مرکز آموزش هنر و رسانه

**ثبت نام
ترم پاییز**

اعطای مدرک مورد تایید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

چگونه فیلم ببینیم؟

مصطفی یوسف زاده
چهارشنبه ۲۰-۱۸
۱۴ جلسه- ۲۹۰ هزار تومان

تحلیل فیلم (+نمایش فیلم)

مهدی رضایی
چهارشنبه ۱۸-۱۴
۸ جلسه- ۲۱۰ هزار تومان

کارگاه تولید فیلم کوتاه

جمعیت از مدرسین
پنجشنبه ۱۸-۱۶
۳۰ جلسه- ۷۸۰ هزار تومان

در این کارگاه خود شما کارگردان هستید، خود شما فیلمنامه نویس... خود شما بازیگر... تدوین گر... فیلمبردار، صدابردار، منشی صحنه، مدیر تولید... و با این تیم قرار است زیر نظر بهترین مدرسین مشهد، در کارگاه ۶۰ ساعته مان یک فیلم کوتاه بسازیم. (در ضمن امکان تقسیم شهریه نیز وجود دارد)